

مكتبة

مكتبة

ترجمه

مِصْبَاحُ الْفَلَاحِ

لِلشَّيْخِ الصِّيدِيِّ وَأَبِي جَمْرِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْحَسَنِ

عَلِيِّ بْنِ أَبِي يَسِيدٍ الْقَبِيَّ

إشراف

السَّيِّدِ عَلِيِّ الْخُرَاسَانِيِّ الْكُتَّابِيِّ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مصادقه الاخوان

نویسنده:

محمد بن علی بن بابویه شیخ صدوق

ناشر چاپی:

کتابخانه شمس

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	مصادقه الاخوان
۸	مشخصات کتاب
۸	[مقدمه های تحقیق]
۸	[مقدمه مشکات]
۱۲	[مقدمه نفیسی]
۱۲	خاندان بابویه قمی
۱۲	اشاره
۱۹	(۱) ابو الحسن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی.
۲۷	(۲) حسن بن ابی الحسن علی.
۲۹	(۴) ابو جعفر محمد بن ابی الحسن علی ملقب بصدوق.
۳۹	(۵) ابو عبد الله حسین بن حسن بن محمد بن موسی بن بابویه.
۳۹	(۶) ثقه الدین حسن بن ابی عبد الله حسین.
۳۹	(۷) شمس الاسلام ابو محمد حسن بن حسین.
۴۰	(۸) عبد الله بن حسن بن حسین.
۴۰	(۹) ابو المفاخر هبه الله بن حسن.
۴۰	(۱۰) ابو المعالی سعد بن ثقه الدین حسن.
۴۰	(۱۱) نجم الدین ابو الحسن علی بن محمد.
۴۰	(۱۲) ابو ابراهیم اسماعیل بن علی.
۴۰	(۱۳) ابو طالب اسحق بن علی.
۴۰	(۱۴) بابویه بن سعد بن محمد.
۴۱	(۱۵) منتجب الدین ابو الحسن علی.
۴۶	باب (۱) در اقسام برادران
۴۶	باب (۲) حدود برادران

۴۶	باب (۳) - مهربانی به برادران
۴۷	باب (۴) - برگزیدن برادران
۴۷	باب (۵) - گرد آمدن و گفتگوی برادران
۴۸	باب (۶) - مواسات برادران
۵۰	باب (۷) - حقوق برادران در باره همدیگر
۵۳	باب (۸) - در اینکه برادر آئینه برادر خویش است
۵۳	باب (۹) - اطعام برادران
۵۴	باب (۱۰) - خوراندن برادران
۵۴	باب (۱۱) - سودمندی برادران
۵۴	باب (۱۲) - انتفاع برادران
۵۴	باب (۱۳) - مؤمن برادر مؤمن است
۵۴	باب (۱۴) - سود رساندن برادران بیکدیگر
۵۵	باب (۱۵) - دوری کردن برادران از یک دیگر
۵۵	باب (۱۶) - هراس برادران از یک دیگر
۵۵	باب (۱۷) - دوستی برادران
۵۶	باب (۱۸) - ثواب خوشروئی با برادران
۵۶	باب (۱۹) - ثواب رسیدگی بکارهای برادران
۵۷	باب (۲۰) - نهی درخواست کاری از برادران
۵۷	باب (۲۱) - دیدار برادران
۵۹	باب (۲۲) - توجه ببرادران
۵۹	باب (۲۳) - دست دادن با برادران
۵۹	باب (۲۴) - شاد کردن مؤمن
۶۱	باب (۲۵) - بخل بر برادران
۶۱	باب (۲۶) - شکایت بردن پیش برادران
۶۱	باب (۲۷) - ثواب کسی که برادرش را شاد کند
۶۲	باب (۲۸) - دیدار برادران و رنجاندن آنان

۶۲	باب (۲۹) نیکی ببرادران
۶۳	باب (۳۰) کوشش در کارهای برادران
۶۶	باب (۳۱) ثواب واگرداندن معامله بدرخواست برادر
۶۶	باب (۳۲) آزمایش برادران
۶۶	باب (۳۳) اطمینان ببرادران
۶۶	باب (۳۴) صداقت در برادری
۶۶	باب (۳۵) کوشش در کارهای برادران بی نیت
۶۶	باب (۳۶) خوار ساختن برادران
۶۷	باب (۳۷) معطر کردن برادر
۶۷	باب (۳۸) دوست داشتن برادران
۶۷	باب (۳۹) دشنام به برادران
۶۷	باب (۴۰) دعا در باره برادران
۶۷	باب (۴۱) مهربانی به برادران
۶۸	باب (۴۲) پوشانیدن برادران
۶۸	باب (۴۳) کسانی که از برادری با آنها باید پرهیز کرد
۷۰	فهرست ابواب کتاب
۷۲	فهرس اعلام الاشخاص و الاماکن و الکتب
۸۴	درباره مرکز

مصادقه الاخوان

مشخصات کتاب

سرشناسه: ابن بابویه، محمد بن علی، ۳۱۱-۳۸۱ق.

عنوان قراردادی: مصادقه الاخوان. فارسی - عربی

عنوان و نام پدیدآور: مصادقه الاخوان / از محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی ملقب بصدوق.

مشخصات نشر: تهران: کتابخانه شمس، ۱۳.

مشخصات ظاهری: ۸۸ ص.؛ ۱۱×۱۹ س م.

وضعیت فهرست نویسی: برون سپاری

یادداشت: فارسی - عربی.

یادداشت: کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشران مختلف به چاپ رسیده است.

موضوع: اخلاق اسلامی

موضوع: دوستی (اسلام)

موضوع: احادیث اخلاقی

رده بندی کنگره: BP۲۵۴/۲ / الف ۲۲ م ۶۰۴۱ ۶۰۴۱ ۱۳۰۰ ی

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۵۲

شماره کتابشناسی ملی: ۲۴۸۷۴۳۸

[مقدمه های تحقیق]

[مقدمه مشکات]

بسم الله و الحمد له و الصلوه علی محمد و آله

این کتاب را حضرت استاد و پدر بزرگوارم آقای سید محمد مشکاه خود نویسانیده و با چهار نسخه بشرحی که خواهم گفت مقابله کرده اند و تنها منظور از این مقابله ضبط اختلاف نسخ بوده است.

مقدمه کتاب را بر حسب تقاضای آن بزرگوار دانشمند ارجمند جناب آقای سعید نفیسی استاد معظم دانشگاه نگاشته اند و ترجمه آن را فاضل عزیز آقای محمد تقی دانش پژوه لیسانسیه رشته معقول از شاگردان سابق پدر عالیقدرم تحت نظر مستقیم حضرت ایشان بپایان رسانیده سپس آن ترجمه را در محضر معظم له بر متن کتاب عرضه داشته تطبیق و اصلاح کرده اند. تصحیح مطبعی و تهیه فهرست را نیز بنده ناچیز زیر نظر حضرت استاد و پدر بزرگوار خویش انجام دادم.

مخارج چاپ کتاب بر حسب نظر ایشان جناب آقای میرزا محمد علیخان قهرمانی از تجار نیکنام و خیرخواه از محل وجوه شرعی خویش پرداختند که در این راه خیر بمصرف رسید.

از خداوند موفقیت و کامیابی آن مرد نیکو سیرت را مسألت میکنیم؛ و امیدواریم

بازرگانان و ثروتمندانی که بمسائل دینی و فضائل اخلاقی علاقه دارند از ایشان پیروی کنند تا شاید بدین وسیله آثار بزرگان اسلام احیاء شده و بترویج دین هم کمک کرده باشند.

کتاب حاضر از روی چهار نسخه فراهم آمده است بدین قرار:

۱- نسخه الف که تا درجه امکان متن قرار داده شده و روش کتابت آنهم پیروی شده است اختلاف نسخ دیگر با رمز نسخه مربوط بذیل صفحات نقل شده مگر در جاهائی که نسخه دیگر رجحان داشته است و در این صورت عین نسخه الف در ذیل صفحه گذارده شده است.

۲- متن کتاب با نسخه های چهارگانه مطابق است جز مواردی که در میان یک یا چند علامت قرار گرفته است.

۳- آنچه از متن فقط در نسخه «الف» بوده میان دو هلال () گذارده شده و آنچه تنها در نسخه «ب» میان دو قلاب [] نهاده شده و آنچه مخصوص نسخه «ج» میان گیومه «» قرار گرفته است و آنچه تنها در نسخه «د» بوده در آغاز و انجام آن دو ستاره** میباشد.

بنا بر این معلومست جمله یا کلمه ای از متن که در دو یا سه نسخه بوده میان علامتهای آن

مصادقه الإخوان / ترجمه خراسانی کاظمی، ص: ۸

دو یا سه نسخه قرار گرفته است مانند هلال و قلاب [()] که حکایت میکند از اینکه این جمله فقط در دو نسخه «آ» و «ب» است و هلال و گیومه « () » که حکایت میکند از اینکه جمله فقط در دو نسخه «آ» و «ج» بوده است و هلالین و ستاره () که میرساند اینکه این جمله در دو نسخه «آ» و «د» است و هلالین و

قلاّب و گیومه « [()] که مینمایاند اینکه جمله فقط در نسخه «د» نیست و هکذا.

امتیازات نسخ: ۱- نسخه «الف» و آن کهن ترین و درست ترین نسخه است که چند سال قبل از دوست فاضل ما آقای میرزا مجد الدین نصیری خریداری شده و این نسخه همانست که محدث شهیر مرحوم حاج میرزا حسین نوری هنگام تألیف کتاب مستدرک الوسایل خود در دست داشته و حتی اغلاط آن نیز در پاره ای جاها عینا بکتاب مزبور نقل شده است.

۲- نسخه «ب» و آن نسخه ایست که عالم متتبع جلیل جناب آقای میرزا فضل الله شیخ الاسلام زنجان دامت برکات وجوده با کمال سخاوت مدتها با اختیار پدر بزرگوارم گذاردند و این نسخه ای نو نویس است بقطع خشتی و کاغذ آبی و با دیگر نسخه ها اختلاف بسیار دارد گرچه اغلاط این نسخه بسیار بود ولی با این وصف بیش از سایر نسخه ها بتصحیح کتاب کمک کرده است.

۳- نسخه «ج» که یقینا یا از روی نسخه منقول عنه نسخه «آ» نوشته شده و یا از روی نسخه ای کتابت شده است که آن نسخه نیز از روی منقول عنه «آ» نویسانیده شده بوده است، زیرا این نسخه با نسخه الف بندرت اختلاف دارد.

۴- نسخه «د» متعلق بآیه الله حضرت آقای میرزا محمد طهرانی ساکن سامراء که با خود در سفر خراسان همراه آورده بودند و هنگامی که کتاب حاضر زیر چاپ بود بدست آمد و تا ممکن بود از مقابله با آن نیز استفاده شد.

تهران بیست و دوم محرم الحرام سال هزار و سیصد و شصت و شش هجری قمری مطابق بیست و ششم آذر ماه یک هزار و سیصد و

به نام خداوند بخشنده مهربان

باب (۱) در اقسام برادران

۱- ابو جعفر دوم ع فرمود: مردی در بصره نزد علی ع آمد و گفت یا امیر المؤمنین ما را از برادران آگهی ده؟ فرمود: برادران دو دسته اند برادران مورد اعتماد و برادران گشاده روئی برادران معتمد بمنزله دست وبال و خانواده و مال اند پس چون در باره برادر خود بیایه اعتماد رسیدی مال و تن خویش را در راه او نثار کن و با هر که با وی دوستی بی آرایش دارد دوست خالص باش، و با دشمنش دشمنی کن، و رازش را بپوشان، و یاریش کن، و نیکوئی او را آشکار ساز و بدان ای پرسنده که این گونه برادران از گوگرد سرخ نایاب ترند. اما برادران گشاده روئی از آنان حظ خود را می بری پس دوستی از آنها مبر، و بیش از این از ضمیر آنان مخواه و از گشاده روئی و شیرین زبانی که با تو کردند از آنها دریغ نکن.

باب (۲) حدود برادران

۱- ابو عبد الله ع فرمود: دوستی حدود، دارد و بکسی که دارای آن حدود نباشد دوستی کامل نسبت ندهید نخست آنکه ظاهر و باطنش با تو یکی باشد. دوم آنکه نیکی تو را نیکی خود و بدی تو را بدی خویش انگارد. سوم اینکه مال و فرزند او را تغییر ندهد. چهارم آنکه هر چه دستش میرسد از تو باز ندارد.

مصادقه الإخوان / ترجمه خراسانی کاظمی، ص: ۳۳

پنجم آنکه در گرفتاریها تو را وانگذارد.

باب (۳) - مهربانی به برادران

۱- ابو عبد الله ع فرمود: خداوند در دلهای آفریدگان خود جایدارد و آن دلی را بیش دوست دارد که نیرومندتر باشد و با برادران مهربان تر و از گناهان پاکتر.

باب (۴) - برگزیدن برادران

پیغمبر ص فرمود: مردی را که پیشروی نباشد، بیهشت نخواهد رفت، گفتند ای فرستاده خدا همه ما را پیشروانی است؟ فرمود آری پیشروان مرد برادر دینی اوست.

باب (۵) - گرد آمدن و گفتگوی برادران

۱- ابو عبد الله ع فرمود: آیا با هم می نشینید و گفتگو میدارید؟ گفتم آری فدای تو شوم فرمود من این گونه مجالس را دوست میدارم پس ای فضیل امر ما را احیا کنید، خداوند رحمت کند کسانی را که امر ما را احیا میکنند. ای فضیل کسی که از ما یاد کند یا نزد وی از ما یاد شود و از چشمانش باندازه پر مگسی اشک بیرون آید، خداوند گناهان او را اگر چه بیشتر از کف دریاها باشد می آمرزد ۲- ابو جعفر دوم ع بمیسر فرمود: آیا در خلوت گرد هم می نشینید و گفتگو میدارید و هر چه خواسته میگوئید؟ گفتیم آری بخدا سوگند بخلوت می نشینیم و گفتگو میکنیم، و هر چه خواستیم میگوئیم امام فرمود بخدا قسم دوست دارم در برخی از این انجمنها با شما باشم بخدا قسم من نیرو و حقگزار شما را دوست میدارم، شما بر دین خدا و دین فرشتگان خدا هستید پس پیارسائی و کوشش ما یاری کنید.

مصادقه الإخوان / ترجمه خراسانی کاظمی، ص: ۳۵

۳- ابو جعفر دوم فرمود: خدا ببخشد بنده را که نام ما را زنده بدارد گفتم زنده داشتن نام شما بچیست فرمود دیدار ثابت قدمان و گفتگوی با آنان.

۴- امیر المؤمنین ع فرمود: دیدار برادران اگر چه کم باشند غنیمتی است بزرگ.

۵- فضیل گفت که ابو جعفر ع بمن فرمود آیا با هم می نشینید گفتم آری فرمود افسوس از این گونه مجالس، ۶- خیمه گفت نزد

ابی عبد الله ع رفتیم در سفری که در پیش داشتیم با او وداع کنم، فرمود از دوستان هر که را دیدی سلام برسان. و بدانها بسپار که از خداوند بزرگوار بترسند، و توانگران آنها از نیازمندان شان و نیرومند آنها از ناتوانشان عیادت کنند و زنده آنها بر جنازه مرده شان حضور یابد و در خانه های خویش از هم دیدار کنند، زیرا در ملاقات آنها احیاء امر ماست باز فرمود خدا بیخشد بنده ای که امر ما را زنده میدارد ای خیمه بدوستان ما برسان که ما آنان را از خدای هیچ گونه بی نیاز نمی سازیم مگر آنکه کار نیک کنند و دوستی ما جز پارسائی بدست نیاید در روز قیامت حسرتمندترین مردم کسی است که عدالت را بستاید سپس از آن روی برتابد و بجز آن بگراید.

۷- پیغمبر ص فرمود: سه چیز مؤمن را مایه خوشی است: بیداری آخر شب، و دیدار برادران، و گشودن روزه.

۸- شعیب عرقوفی گوید که من حاضر بودم و ابو عبد الله ع بیاران خویش میفرمود از خدای بترسید، و برادران نکوکار و دوستدار در راه خدا، و دلجوی و مهربان باشید بدیدن یک دیگر بروید و همدگر را ببینید، و امر ما را پیا دارید و احیا کنید.

مصادقه الإخوان / ترجمه خراسانی کاظمی، ص: ۳۷

باب (۶) - مواسات برادران

۱- و صافی گوید که ابو جعفر ع بمن فرمود: ای ابا اسماعیل آیا دیده که پیش شما اگر مرد بی ردا میبود، بعضی از برادران ردای اضافی خویش را بدو میداد تا بی ردا نماند؟ گفتم چنین کسی ندیده ام فرمود اگر آن مرد بی آزاری میبود میشد که یکی از برادران ازار زیادی خویش را بدو دهد؟ تا

ازاری بدست آرد؟ گفتم نه، پس دست بران خویش زده فرمود اینان برادر نیستند.

۲- ابو عبد الله ع بمفضل فرمود: شیعیان ما را بدو خصلت بیازمای و هر که آن دو را دارا باشد با وی آمیزش کن و اگر نه از وی پرهیز، سپس برسیدند آن دو خصلت چیستند؟ فرمود نماز بوقت گذاردن و مواسات با برادران اگر چه با چیز کمی باشد.

۳- راوی گفت نزد ابی عبد الله ع بودم از مواسات مرد با برادران خویش و آنچه که باید در باره همدیگر بکنند یاد فرمود از این سخن باندازه متأثر شدم که از قیافه من دریافت، پس فرمود این روش در زمانی خواهد بود که قائم قیام کند آنگاه بر آنان واجب است که همدیگر را ساز و برگ دهند و نیرومند سازند.

۴- راوی گوید مردی دیر نزد رسول خدا رفت فرمود ترا چه شده که دیر آمده ای؟ گفت ای رسول خدا برهنگی مرا بازداشت، فرمود مگر تو را همسایه نبود که دارای دو جامه باشد و یکی را بتو عاریت دهد؟ گفت آری ای رسول خدا، فرمود پس او ترا برادر نیست.

۵- ابو عبد الله ع (ع) فرمود: بین چه بدست آورده ای پس آن را برادران خویش ده، خداوند فرمود

مصادقه الإخوان / ترجمه خراسانی کاظمی، ص: ۳۹

نکوئی بدیها را می برد.

رسول خدا فرمود: سه چیز است که این امت نتوانند آورد: ۱- مواسات با برادر در مال خویش. ۲- با مردم از جانب خود انصاف دادن ۳- یاد کردن خدا در هر حال، و این یاد آوری خدا گفتن سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر نیست

بلکه اگر بچیزی برسند که حرام شده از خدا بترسند و از آن درگذرند.

۶- ابو عبد الله (ع) فرمود: یکدرهم برادر مسلمان خود ببخشم بهتر میدانم که صد درهم صدقه دهم و یک لقمه که برادر مسلمانم بخورد خوشتر میدانم تا برده را آزاد کنم.

۷- ابو جعفر (ع) فرمود: گرد هم آئید و از یک دیگر یاد کنید- تا فرشتگان پیرامون شما را فرا گیرند خدا ببخشد کسی را که امر ما را احیا کند.

باب (۷) حقوق برادران در باره همدیگر

۱- داود بن حفص گوید: نزد امام جعفر صادق (ع) بودیم و او عطسه کرد خواستیم باو دعای رحمت بگوئیم پس فرمود چرا دعا نکردید از جمله حقوق مؤمن بر برادرش چهار خصلت است که هر گاه عطسه کند بدو دعای رحمت گوید، و اگر ویرا بخواند بپذیرد و هر گاه بیمار گردد از وی دیدار کند و اگر بمیرد جنازه او را مشایعت نماید.

۲- ابان بن تغلب گفت با ابی عبد الله (ع) طواف میکردم مردی از یاران مادر رسید که از من خواسته بود با وی پی کاری رویم و بمن اشاره کرد که ابو عبد الله را بگذارم و با او بروم هنگامی که بطواف میپرداختم باز هم اشارتی بمن کرد و ابو عبد الله او را دید

مصادقه الإخوان / ترجمه خراسانی کاظمی، ص: ۴۱

و فرمود ای ابان این مرد تو را میخواهد؟ گفتم آری فرمود کیست گفتم مردیست از یاران ما، فرمود ایا او بر همان دینی است که تو داری گفتم آری فرمود طواف را قطع و با وی برو گفتم اگر چه طواف واجب باشد فرمود آری ابان گفت با آن مرد رفتم و دوباره

نزد امام آمدم و از وی پرسیدم و گفتم از حقی که مؤمن بر مؤمن دارد مرا آگاه کن فرمود ای ابان از این در گذر و نخواه و بر زبان میاور گفتم فدایت شوم و مکرر پرسیدم فرمود ای ابان باید نیمی از دارائی خویش را بدو دهی آنگاه امام حالی که مرا دست داد دریافت و فرمود مگر نمیدانی که خداوند از خود گذشتگان را یاد کرد گفتم آری فرمود تو اگر مال خویشتن با او قسمت کنی تازه از خود نگذشتی و او را بر خود ترجیح ننهادی، گاهی او را بر خود برتری میدهی و از خود میگذری که از نیمه دیگر هم بوی بخشی.

۳- ابن اعین گفت که برخی از یاران ما نامه نوشتند و از ابی عبد الله (ع) چیزهایی پرسیدند و بمن دستور دادند که از وی در باره حقی که مسلمان بر برادر دارد بپرسم، من از او پرسیدم پاسخی نداد- چون آمدم که ویرا وداع کنم گفتم از شما پرسش کردم و پاسخی نشنیدم فرمود می ترسم کافر شوید همانا سخت ترین چیزی که خداوند بر آفریدگان خود واجب کرده سه خصلت است: نخست اینکه از خود در باره دیگران انصاف دهد بحدی که در حق برادر خود چیزی را نپسندد مگر آنچه برای خود می پسندد. دیگر آنکه با برادر در مال برابری کند. سوم آنکه در هر حال خدا را بیاد آرد و این بگفتن سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله نیست بلکه یاد خدا او را از ارتکاب حرام باز دارد.

۴- از ابی عبد الله پرسیدند حق مسلمان بر مسلمان چیست؟ فرمود هفت

حق است که همه بر وی واجب است و اگر چیزی از آنها را ضایع سازد از دوستی و طاعت خداوند بیرون رفته و حق خدا را نگذارده باشد. بامام گفتم فدایت کردم آنها چیستند فرمود ای معلى من با تو مهربانم می ترسم آنها را ضایع کنی و نگاه نداری و بدانی و بکار نبندی بدو گفتم توانائی جز بخدا نیست فرمود آسان ترین آن حقوق آنست که در باره مسلمان آنچه را که برای خود دوست میداری بخواهی و آنچه را که برای خود نمی پسندی بر او هم نپسندی.

مصادقه الإخوان / ترجمه خراسانی کاظمی، ص: ۴۳

حق دوم اینکه از خشم وی بپرهیزی و خوشنودی او را بخواهی و از وی فرمانبری. حق سوم اینکه با جان و مال و زبان و دست و پای خود بوی یاری کنی. حق چهارم اینکه دیده بان و راهنما و آئینه و جامه او باشی. حق پنجم اینکه با گرسنه بودن او سیر نشوی و با تشنگی او سیراب نگردی و با برهنه بودن او لباس نپوشی. حق ششم اینکه تا او زن نگیرد تو زن نگیری. و اگر او را نوکری نباشد تو نوکری اختیار نکنی. باید نوکر خود را بفرستی تا جامه او را بشوید و خوردنی او را بپزد و جامه خواب او را بگسترده. حق هفتم اینکه بسوگند او وفا کنی و درخواست او را بپذیری بیمار او را دیدار کنی و در جنازه او حضور یابی، و اگر بدانی که او را نیازی هست برای انجام آن بشتابی و او را ناگزیر نسازی که آن را از تو بخواهد- بلکه تو او را پیشی

گیری هر گاه این را بکار بستی دوستی خود را بدوستی او و دوستی او را بدوستی خود پیوند داده ای.

۵- ابو عبد الله فرمود: برای مرد بسی زشت است که برادر او حق وی را بشناسد ولی او حق برادری را نشناسد.

باب (۸) در اینکه برادر آئینه برادر خویش است

۱- پیغمبر فرمود: مؤمن آئینه برادر خود بوده آزار از او دور می سازد.

باب (۹) اطعام برادران

۱- پیغمبر خدا فرمود: هر که مؤمن گرسنه را سیر کند خداوند وی را از میوه های بهشت میخوراند، و هر که او را از تشنگی سیر آب کند خداوند ویرا از می مشکبو بنوشاند و هر که او را جامه بپوشاند- تا ریشه و نخی از آن جامه بر تن آن مؤمن است در ضمان خدا خواهد بود، بخدا سوگند همانا بر آوردن حاجت

مصادقه الإخوان / ترجمه خراسانی کاظمی، ص: ۴۵

مؤمن از یکماه روزه و اعتکاف برتر است.

۲- ابو عبد الله (ع) فرمود همانا شاد نمودن مؤمن و سیر کردن وی و اندوه از وی بردن و ادای دین او از محبوبترین کارها نزد خداوند بزرگ است.

۳- ابو جعفر ع فرمود: لقمه را به برادر دینی خود بخورانم بیشتر دوست میدارم تا ده گدا را سیر کنم، و ده درهم برادر دینی خود بدهم بیشتر دوست دارم تا صد درهم بگدایان ببخشم.

۴- نیز فرمود: سه چیز از بهترین کارهاست مسلمان گرسنه را سیر نمودن و غم از وی زدودن و او را از برهنگی پوشاندن.

۵- پیغمبر فرمود: هر که سه تن از مسلمانان را بخوراند خداوند از طعام سه بهشت بدو خوراند: ملکوت آسمان: و فردوس، و باغ عدن که خداوند آن را بدست قدرت خود کاشت.

۶- ابو عبد الله ع فرمود: یکن مسلمان را اطعام کنم بهتر میدانم که گروهی از مردم را بخورانم. گفتم گروه چیست؟ فرمود: صد هزار یا بیشتر.

۷- راوی گفت: نزد ابی عبد الله ع یادی از یاران ما شد، من گفتم ناهار نمی شکنم و شام نمی خورم مگر

اینکه دو یا سه تن یا کمتر یا بیشتر از آنان با من باشند پس فرمود: برتری آنان بر تو بیشتر است از برتری تو بر آنها، گفتم فدای تو شوم چرا! با اینکه من از خوردنی خود بآنها میخورانم و از مال خود بآنها میبخشم و عیال خویش را بخدمت آنها میگمارم، فرمود آنان هنگامی که بر تو وارد شدند روزی فراوانی برای تو آوردند و بیرون که رفتند با آمرزش تو رفتند.

مصادقه الإخوان / ترجمه خراسانی کاظمی، ص: ۴۷

باب (۱۰) خوراندن برادران

راوی گفت حلوائی از خرما و روغن با خود گرفتم و نزد ابی عبد الله ع بردم و او غذا میخورد آن را در جلو وی گذاردم بیاران خویش میخورانید و شنیدم که میگفت هر که لقمه شیرینی بمؤمنی بخوراند خداوند تلخی روز قیامت را از وی دور سازد.

باب (۱۱) سودمندی برادران

۱- جعفر بن محمد ع فرمود: در دنیا دوست بسیار گیرید چه آنها در دنیا و آخرت سودمندند:

در دنیا بکارها میرسند و در آخرت دوزخیان میگویند ما را شفاعت کنندگان و دوست صمیمی نیست.

باب (۱۲) انتفاع برادران

۱- ابو عبد الله ع فرمود: برادر فراوان گیرید زیرا هر مؤمنی را دعائی است مستجاب، و «برادر بسیار گیرید زیرا هر مؤمن را شفاعتی است»: بسیار با مؤمنان پیمان برادری بندید زیرا آنان در پیش خدا حقی دارند که روز قیامت برابر آن از وی پاداش گیرند.

۲- امام رضاع فرمود: هر که برادری دینی بدست آرد خانه ای در بهشت بچنگ آورده باشد.

مصادقه الإخوان / ترجمه خراسانی کاظمی، ص: ۴۹

باب (۱۳) مؤمن برادر مؤمن است

۱- ابو عبد الله ع فرمود: مسلمان مسلمان را برادر است و ستم بر وی نمیکند و از وی فروگذار نکند.

۲- نیز فرمود: مؤمن برادر مؤمن است چون یک تن که اگر یکی از اندام آن بدرد آید دیگر اعضا نیز رنج می بینند جانهای مؤمنان از یک روح است و جان مؤمن با روح خدا پیوسته تر است از شعاع آفتاب با خود آن. مؤمن راهنمای مؤمن است و با او خیانت نمیکند و ستم بر او روا نمیدارد از وی غیبت نمیکند و با وی خلاف وعده نمیکند.

باب (۱۴) سود رساندن برادران بیکدیگر

۱- ابو عبد الله (ع) فرمود: مؤمنان خدمتگزار یک دیگرند گفتیم چگونه یک دیگر را خدمت میکنند فرمود یک دیگر را سود می‌رسانند.

باب (۱۵) دوری کردن برادران از یک دیگر

۱- پیغمبر خدا فرمود: دو تن مسلمانی که از یک دیگر دوری گزینند و سه روز بگذرد، آشتی نکنند مگر آنکه از مسلمانی بیرون رفته باشد و میان آنها دوستی نباشد، پس هر یک که در سخن گفتن با برادر خویش پیشی گیرد در روز شمار هم پیشتر ببهشت خواهد رفت.

باب (۱۶) هراس برادران از یک دیگر

۱- معصوم فرمود: سزاوار نیست که مؤمن از برادر خویش بهراسد (؟) مؤمن در دین خود عزیز است

مصادقه الإخوان / ترجمه خراسانی کاظمی، ص: ۵۱

باب (۱۷) دوستی برادران

۱- ابو عبد الله (ع) فرمود: گاهی دوستی برای خدا و پیغمبر است و گاهی برای دنیا دوستی که در راه خدا و پیغمبر باشد پاداش آن با خداست و اگر برای دنیا باشد چیزی نیست.

۲- ابو جعفر فرمود: هر گاه مرد برای خدا کسی را دوست بدارد خداوند باین دوستی او پاداش میدهد اگر چه آن دوست در علم خدا از دوزخیان باشد و هر گاه برای خدا او را دشمن بدارد خداوند بهمین دشمنی او پاداش میدهد اگر چه آن دشمن پیش خدا از بهشتیان باشد.

۳- نیز فرمود: هر گاه میخواهی بدانی که در تو خیری هست بدل خویش بنگر اگر فرمانبران خدا را دوست و نافرمانان خدا را دشمن می‌داری پس در تو خیری هست و خدا هم تو را دوست میدارد و اگر پیروان خدا را دشمن است و نافرمانان را دوست پس در تو خیری نیست و خدا با تو دشمن است و مرد با آن کسی است که دوست میدارد.

۴- ابو عبد الله (ع) فرمود: دوست داشتن نیکان نیکان را برای نیکان ثواب است و دشمن داشتن بدان نیکان را فضیلت نیکان است دوست داشتن بدان نیکان را زینت نیکان است و دشمن داشتن نیکان بدان را خواری بدانست.

۵- ابو عبد الله بحمران فرمود: ای حمران: خدای را ستونی است از زبرجد که بالای آن بعرش بسته پائین آن در زیر زمین های هفتگانه می‌باشد و بر آن هفتاد هزار کاخ ساخته شده و در

هر کاشی هفتاد هزار خانه قرار دارد و در هر خانه هفتاد هزار حوری می باشد که آنها را خداوند برای کسانی که دوستی و دشمنی آنها در راه او است آماده ساخته است.

مصادقه الإخوان / ترجمه خراسانی کاظمی، ص: ۵۳

باب (۱۸) ثواب خوشروئی با برادران

۱- امام رضا (ع) فرمود: هر کس پی کاری برود و روی خویش را گلاب زند غبار خواری بر چهره وی ننشیند، و هر که از نیمخورده برادر مؤمن بخورد و از آن فروتنی خواهد خداوند ویرا ببهشت خواهد برد، و هر که بر وی برادر مؤمن خویش لب خند زند خداوند برای وی پاداشی بنویسد و هر که خداوند برایش حسنه نوشت عذابش نخواهد کرد.

۲- ابو جعفر ع فرمود: تبسم بر روی مؤمن نیکی است، و گرد از وی دور ساختن خوبی است و هیچ عبادتی از دلخوش کردن مؤمن نزد خدا بهتر نیست.

۳- ابو عبد الله ع فرمود: هر که از چهره برادر مؤمن گردی گیرد خداوند بزرگوار برای وی ده پاداش بنویسد و هر که بروی مؤمن لب خند زند مزدی خواهد داشت.

باب (۱۹) - ثواب رسیدگی بکارهای برادران

۱- ابو عبد الله ع فرمود: هر که با برادر خویش پی کاری رود خواه انجام گیرد و خواه انجام نگیرد چنانست که خدای را پرستیده باشد.

۲- ابو عبد الله ع فرمود: ای مفضل، آنچه گویم بشنو و بدان که راست است و آن را بکار بند و ببرادران ارجمندت بگو: گفتم برادران ارجمند کیانند؟ فرمود: آنان که رسیدگی بکارهای برادران را خواهانند. سپس فرمود: هر کس یک حاجت برادر مؤمن خویش را برآورد خداوند در روز قیامت صد حاجت از وی برآورده ساز که نخستین آنها بهشت است؛ دیگر آنکه نزدیکان و آشنایان و برادران او را ببهشت ببرد ولی باین شرط که ناصبی نباشد. از آن پس مفضل از هر برادری از برادران خویش که کاری میخواست بدو میگفت مگر نمی خواهی از برادران ارجمند بشمار آیی؟

مصادقه الإخوان /

۳- ابو عبد الله ع فرمود: انجام کار مؤمن از آزاد کردن هزار برده و بخشیدن بار هزار اسب در راه خدا بهتر است.

۴- نیز فرمود: هر کس حاجت مسلمان بر آورد خداوند برای وی ده پاداش بنویسد و ده گناه از وی محو کند و ده درجه ویرا بلند کند و در روزی که سایه جز سایه خداوند نیست ویرا در زیر سایه خود پناه دهد.

۵- پیغمبر خدا فرمود: که خداوند گفته مؤمنان برادر یک دیگرند و بکار همدیگر میرسند و روز قیامت من نیازمندی آنان را برآورده خواهم ساخت.

۶- ابو عبد الله ع فرمود: روز قیامت بنده ای را که هیچ نیکی نکرده می آورند و بدو میگویند بیندیش شاید مگر نیکی کرده باشی بیاد می آورد و میگوید پروردگارا کار نیکی از من سر نزد مگر اینکه فلان بنده مؤمن تو مرا دید و آبی از من خواست تا وضو سازد و نماز گذارد و من آب باو دادم آنگاه همان بنده مؤمن را می آورند و می پرسند او هم بیاد می آورد و میگوید آری پروردگارا او را دیدم و آب خواستم و بمن داد و با آن وضو ساختم و برای تو نماز گزاردم خداوند بزرگوار میفرماید تو را آمرزیدم بنده مرا ببهشت برید.

۷- پیغمبر ص فرمود: خداوند بندگانی دارد در بهشت که ایشان را حکم قرار میدهد، پرسیدند آنها کیانند؟ فرمود: کسی که حاجت مؤمن را میان خود و خدا برآورده سازد.

باب (۲۰) - نهی درخواست کاری از برادران

۱- ابو عبد الله ع فرمود: از برادران خویش حاجت نخواهید که مبادا نپذیرند و شما خشم گیرید و کافر شوید.

مصادقه الإخوان / ترجمه خراسانی کاظمی، ص: ۵۷

باب (۲۱) - دیدار برادران

۱- ابو عبد الله ع فرمود: هیچ مسلمانی بدیدار برادر خویش نمیروند مگر اینکه خداوند او را میخواند که ای دیدارکننده خوش باش و بهشت تو را گوارا باد.

۲- ابو عبد الله ع فرمود: سه کس در روز قیامت از خاصان خدا بشمار آیند: مردیکه برادر دینی خویش را دیدار کند که از زیارت کنندگان خدا است و اکرام آنان بر او واجب میباشد و هر چه بخواهد خداوند میدهد و مردیکه بمسجد درآید و در آن نماز کند و بانتظار نماز دیگر تعقیب بخواند که او میهمان خدا است و خدا را سزد که میهمان خویش را گرامی بدارد و کسانی که حج یا عمره گزارند چه آنان وارد بر خدایند و شایسته است که خداوند ایشان را اکرام نماید.

۳- ابو عبد الله ع فرمود: ارتباط برادران با همدیگر در حضر بدیدار است و در سفر به نامه نگاری ۴- ابو عبد الله ع فرمود: هر که تنها برای خدا و بامید وعده و بانتظار رسیدن بنعمتهای او برادر دینی خویش را دیدار کند خداوند هفتاد هزار فرشته بر او

میگم که ویرا بخوانند خوش باش و بهشت تو را گوارا باد.

۵- ابو عبد الله ع فرمود: هر کس بیرون شهر برود تا برادر خویش را ببیند منادی از آسمان ندا میدهد فلان پسر فلان از زیارت کنندگان خدا است.

ابو عبد الله ع فرمود: هیچ مسلمانی بدیدار برادر دینی خود در راه خدا نمیرود مگر آنکه خداوند بدو

میگوید ای زیارت کننده خوش باش و بهشت تو را گوارا باد ۶- ابو عبد الله ع فرمود: برادر دینی خود را دیدار کن زیرا وی چون دست تو است و دستها هر یک نگهدار دیگری می باشند.

مصادقه الإخوان / ترجمه خراسانی کاظمی، ص: ۵۹

ابو عبد الله ع فرمود: کسی که در راه خدا بدیدار برادر دینی خویش برود روز قیامت شادمان و اعجاب زده و لباسی از نور مانند پوشاک کتانی مصری در بر کرده می آید، و بهر جایی که بگذرد تابشی پیرامون او را روشن می سازد تا اینکه در پیشگاه خداوند می ایستد و خداوند بدو میگوید زه زه و در این هنگام عطایای فراوانی از طرف خدا بدو میرسد.

۸- پیغمبر فرمود: سالها راه را پیما و پیدر و مادر نکوئی کن و راه یک سال را برو و خویشاوندان را دل بدست آر و برای عیادت بیمار اگر یک میل راه هم بود برو و دو میل راه را بسپر و از تشییع جنازه باز نمان و برای اجابت دعوت از پیمودن سه میل مسافت دریغ مکن و در دیدار برادر دینی چهار میل راه را مانع بدان. برای دادرسی ستمدیدگان پنج میل هم شد پیما و شش میل راه برو و غمدیده را یاری کن و تو را باید که آمرزش بخواهی.

باب (۲۲) توجه ببرادران

۱- ابو عبد الله ع فرمود: برادری که تو را از یاد نمیرد بیشتر میسزد که از وی یاد آری، و آنکه تو را سودمند است و بدشمنت زیان بخش شایسته تر است که بدو توجه کنی و آنکه از وی ناگزیری سزاوارتر است که در برابرش شکیباشی.

باب (۲۳) دست دادن با برادران

۱- ابو عبد الله ع فرمود: همانا کسی قدر خدا و پیغمبر را نمی داند و قدر مؤمن را هم نخواهد دانست زیرا مؤمن برادرش را می بیند و با وی دست میدهد و خداوند بدانها مینگرد و تا از هم جدا نشوند گناهان آنها میریزد چون برگهائی که در اثر تند باد از درخت میریزد.

۲- پیغمبر فرمود: اگر کسی از شما برادر خویش را ببیند دست دهد و سلام گوید چه خداوند فرشتگان را باین خصلت امتیاز داد پس عمل آنان را بکار بندید.

مصادقه الإخوان / ترجمه خراسانی کاظمی، ص: ۶۱

باب (۲۴) شاد کردن مؤمن

۱- معصوم فرمود: کسی که مؤمنی را شاد ساخت گمان نبرد که تنها او را مسرور کرد بلکه بخدا سوگند ما را و بلکه رسول خدا را هم خورسند نمود.

۲- ابو جعفر (ع) فرمود: خداوند متعال با بنده خویش موسی مناجات کرد و از جمله بدو فرمود:

مرا بندگان‌یست که بهشت را بر آنها روا داشتیم و آنان را در بهشت حکم قرار خواهم داد موسی پرسید کیانند؟ فرمود: آنان که مؤمنی را شاد سازند.

۳- پیغمبر فرمود: بهترین کارها نزد خدا شاد کردن مؤمنان است.

۴- ابو عبد الله فرمود: یکی از محبوبترین کارها نزد خدا مسرور ساختن مؤمن است.

۵- پیغمبر فرمود: بنده ای نیست که خاندان مؤمنی را شاد کند مگر آنکه خداوند از آن شادی برای وی مخلوقی می آفریند که نزدش می آید و هر گاه سختی بیند بدو میگوید ای دوست خدا مترس، از وی میپرسد کیستی اگر دنیا از آن من بود آن را سزاوار تو نمیدانستم پاسخ میدهد من همان شادی هستم که در دل فلان داخل کردی.

۶- ابو عبد الله فرمود: یکی از

چیزهائی که خداوند دوست میدارد شاد کردن مؤمن است.

مصادقه الإخوان / ترجمه خراسانی کاظمی، ص: ۶۳

۷- پیغمبر فرمود: کسی که مؤمنی را دیدار کند تا او را شاد سازد روز قیامت خداوند هم او را مسرور میکند و اگر برای غمگین کردن او از وی دیدار کند روز قیامت خداوند او را مغموم میکند و دور میسازد.

۸- ابو عبد الله (ع) فرمود: کسی که برادر خویش را شاد سازد بخدا سوگند پیغمبر خدا را شاد ساخت، و کسی که پیغمبر را شاد سازد خدا را شاد کرده است و کسی که خدا را شاد کند بخدا سوگند که روز قیامت خدا او را در بهشت حکم خواهد ساخت.

۹- پیغمبر فرمود: هر که مؤمنی را شاد کرد مرا مسرور ساخت و هر که مرا خورسند نمود خدا را شاد ساخت.

باب (۲۵) بخل بر برادران

۱- علی بن الحسین (ع) فرمود: من از خدای خود شرم میبرم که یکی از برادرانم را بینم و از خدا برای وی بهشت بخواهم ولی از دینار و درم هم بر وی دریغ کنم روز قیامت که شود بمن خواهند گفت که اگر بهشت از آن تو می بود بیشتر بآن بخل می ورزیدی.

باب (۲۶) - شکایت بردن پیش برادران

۱- ابو عبد الله (ع) بحسن بن راشد فرمود. ای حسن: اگر تو را مشکلی پیش آمد نزد مخالفان بشکایت مرو چه اگر چنین کنی از خدا شکایت کرده ای بلکه درد خود را بیکی از برادرانت بگو زیرا از چهار حصلت بیرون نخواهی بود یا اینکه بمال تو را کمک میکنند یا بجاه و مقام تو را یاری میکنند و یا بمشورت در باره تو رای میدهند و یا دعائی خواهند کرد که بر آوردنی است. ای حسن:

مصادقه الإخوان / ترجمه خراسانی کاظمی، ص: ۶۵

هر گاه از مؤمن حاجتی خواستی پیش از آنکه بهانه بیاورد برای وی بهانه هائی بیندیش و اگر پوزش خواست از وی بپذیر و اگر چه گمان کنی که امر بر خلاف گفته او است و اگر بمنافق حاجتی بردی عذرش را نپذیر اگر چه بهانه او را تصدیق کنی.

باب (۲۷) ثواب کسی که برادرش را شاد کند

۱- ابو عبد الله (ع) فرمود: کسی که برادرش را شاد کند خداوند از آن شادی صورتی نیکو بیافریند که ویرا از سختیهای دنیا و دشواریهای آخرت نگهداری کند و با او در گور و حشر و نشر می باشد تا اینکه ویرا نزد پروردگار برساند آنگاه مؤمن بدو میگوید کیستی بخدا سوگند اگر دنیا را بتو میدادم پاداش کمکی که بمن کردی نمی شد پاسخ میدهد که من همان شادی هستم که در دنیا بدل برادر خویش وارد کردی.

باب (۲۸) دیدار برادران و رنجاندن آنان

۱- پیغمبر ص فرمود هر که برادر خود را دیدار کند تا ویرا رنجه سازد از او بدی خواهد دید.

باب (۲۹) نیکی برادران

۱- ابو عبد الله ع فرمود: مؤمن گاهی کک بمیرد شش پیکر بگور او درآیند آنکه صورتی درخشانتر و روئی زیباتر و بوئی خوشتر و ساختی نیکوتر دارد بالای سر وی قرار میگیرد و اگر نکیر و منکر بخواهند از جلو بمؤمن درآیند پیکری که در جلو است آنها را مانع می شود و اگر بخواهند از پشت یا راست یا چپ یا از پیش پا و یا از بالای سر درآیند آنکه در پشت یا راست یا چپ یا جلو و یا بالای سر قرار گرفته مانع میگردد: آنگاه پیکری که نیکوروی تر و خوشبوتر و زیباتر است بدیگران میگوید

مصادقه الإخوان / ترجمه خراسانی کاظمی، ص: ۶۷

خدا شما را پاداش نیک دهد شماها کیستید؟ آنکه در جلو است میگوید من نمازم و آنکه در پشت سر قرار گرفت میگوید من زکواتم و آنکه در طرف راست است میگوید من روزه ام و آنکه در سمت چپ قرار گرفت میگوید من حجم و آنکه برابر پاها قرار گرفت میگوید من آن نیکی هستم که به برادران خود کرده است پس آنها بوی میگویند تو کیستی و تو از ما زیباتر و خوشبوتری و ساخت تو از ما بهتر است وی میگوید من دوستی محمد (ص) و خاندان محمد ۲- ابو عبد الله فرمود: یکی از چیزهائی که خداوند بمؤمن اختصاص داد اینکه نیکی به برادر را بوی آموخت اگر چه اندک باشد و نیکی بفرآوانی نیست و این را خداوند در قرآن بیان فرمود:

آنان اگر چه نیازمند باشند

دیگران را بر خود برتری می نهند سپس فرمود هر که از بخل خود را باز دارد از رستگاران خواهد بود. و کسی که خداوند این خوی آموخت او را دوست داشته است و کسی را که خداوند دوست بدارد پیاداش وی در روز قیامت بی حساب وفا خواهد کرد سپس امام بجمیل (راوی) فرمود ای جمیل این حدیث را برادرانت بگو چه در آن ترغیبی است به نکوئی.

باب (۳۰) کوشش در کارهای برادران

۱- ابو عبد الله (ع) فرمود: رفتن مسلمان در پی کار برادر مسلمان خویش از هفتاد طواف در خانه خدا بهتر است ۲- ابو جعفر (ع) فرمود: خداوند بزرگوار بموسی وحی کرد: برخی از بندگان من با نکوئی بمن تقرب میجویند و من آنان را در بهشت حکم قرار میدهم پس موسی پرسید پروردگارا آن نکوئی چیست فرمود اینکه در پی کار برادر مؤمن خویش برود اگر چه انجام نشود.

۳- ابو جعفر (ع) فرمود هر که

مصادقه الإخوان / ترجمه خراسانی کاظمی، ص: ۶۹

در پی کار برادر مسلمان خویش برود خداوند هفتاد و پنج هزار فرشته را وامیدارد که بر وی سایه بگسترانند و گامی بر نمی دارد مگر آنکه خداوند برای او بدان گام حسنه می نویسد و بهر گام گناهی از وی محو میکند و درجه او را بالا- میبرد و گاهی کک آن کار را انجام دهد اجر یکحجج و یکعمره برای او می نویسد.

۴- ابو عبد الله (ع) فرمود: هر که برای کار برادر مسلمان خویش بکوشد و از آن خوشنودی خداوند را بخواهد خدا برایش هزار هزار حسنه می نویسد و خویشان و همسایگان و آشنایان و برادران او را و کسانی که بوی در دنیا نکوئی کردند می آمرزد روز

قیامت که شود بدو میگویند بدوزخ در آی و هر که را از کسانی که بتو در دنیا نکوئی کردند یافتی باذن خدا بیرون آر مگر اینکه ناصبی باشد.

۵- ابو عبد الله (ع) فرمود: هر که در کار برادر مسلمان خویش بکوشد و در آن جهد کند و خدا انجام آن را بدست وی قرار دهد خداوند برایش یک حج و یک عمره و اعتکاف و روزه دو ماه در مسجد حرام می نویسد و اگر بکوشد ولی خدا نخواهد که بدست او انجام پذیرد خداوند برایش یک حج و یکعمره می نویسد.

۶- ابو عبد الله (ع) فرمود: هر که همراه برادر خویش برود خواه کارش را انجام دهد و خواه ندهد همچون کسی خواهد بود که یکعمره خدای را پرستیده باشد مردی پرسید پی حاجت برادر خود با وی بروم و طواف را هم قطع کنم؟ فرمود آری.

۷- ابو عبد الله (ع) فرمود: برای کسی که پی کار برادر مسلمان خویش میرود ده حسنه نوشته می شود و ده گناه از او محو میگردد و ده درجه بالا برده می شود راوی گفت همین قدر میدانم که امام تا بدینجا رساند که این کار با آزاد کردن ده برده برابر است و از اعتکاف در مسجد حرام برتر می باشد.

مصادقه الإخوان / ترجمه خراسانی کاظمی، ص: ۷۱

۸- ابو الحسن (ع) فرمود: خداوند بندگانی دارد در روی زمین که در انجام کارهای مردم میکوشند و آنان در روز قیامت ایمن می باشند و هر که مؤمنی را خورسند سازد خداوند در روز قیامت او را خوشدل خواهد ساخت.

۹- ابو عبد الله (ع) فرمود: هر که برای انجام کاری همراه مردم برود

ولی خیر خواهی نکند با خدا و رسول خیانت کرده است.

۱۰- صفوان جمال گوید نزد ابی عبد الله (ع) بودم مردی مکی میمون نام در آمد و از نداشتن کرایه شکایت نمود امام بمن فرمود برخیز و برادرت کمک کن پس برخاستم و خداوند مشکل را آسان فرمود و کرایه او داده شد پس بمجلس باز گشتم امام بمن فرمود در باره کار برادرت چه کردی؟ گفتم خداوند آن را انجام فرمود پدر و مادرم فدای تو باد پس فرمود آگاه باش اگر تو برادر مسلمانان کمک کنی نزد من بهتر است از اینکه یک هفته در خانه خدا طواف نمائی آنگاه فرمود مردی نزد حسن بن علی (ع) آمد و گفت پدر و مادرم فدای تو مرا در انجام کاری یاری ده پس امام موزه در پای کرد و با او رفت و بحسین (ع) گذشت در حالی که ایستاده بود و نماز میگذارد پس بدان مرد فرمود کجا بودی و چرا از حسین ع حاجت نخواستی گفت پدر و مادرم فدای تو از او خواستم ولی گفته شد که وی معتکف است پس حسن (ع) فرمود اگر او ترا کمک میکرد برایش از اعتکاف یکماه بهتر بود ۱۱- ابو الحسن (ع) فرمود: خدای را در روی زمین بندگان است که پی کارهای مردم میروند و آنانند که در روز قیامت ایمن می باشند.

۱۲- ابو عبد الله (ع) فرمود: خداوند می گوید آفریدگان من عیال من هستند و کسانی را بیشتر دوست دارم که بکارهای آنها بیشتر پردازند و بهتر اصلاح کنند و در حاجتهای آنان بیش بکوشند.

مصادقه الإخوان / ترجمه خراسانی کاظمی، ص: ۷۳

۱۳- ابو عبد الله

(ع) فرمود: اگر کسی پی کار برادر مؤمن خویش برود و آن را انجام کند برابر یکحجج و یکعمره ثواب خواهد داشت و اگر او بکوشد ولی نیاانجامد ثواب یکعمره خواهد داشت.

باب (۳۱) ثواب واگرداندن معامله بدرخواست برادر

۱- ابو عبد الله (ع) فرمود: اگر مسلمانی در خرید پشیمان شود و از برادر مسلمان خود فسخ کردن آن معامله را بخواهد و او هم بپذیرد خداوند از لغزشش در روز قیامت درمیگذرد.

باب (۳۲) آزمایش برادران

۱- ابو عبد الله (ع) فرمود: کسی را دوست مشمار بلکه آشنایش بنام مگر اینکه ویرا با سه خصلت بیازمائی که او را بخشم بیاوری و بنگری آیا خشم او را از حق بیاطل می برد؟ و با او سفر کنی، و او را با درهم و دینار بیازمائی.

باب (۳۳) اطمینان برادران

۱- کسی که بگرو بیشتر اعتماد کند تا برادر خداوند از وی بیزار است.

باب (۳۴) صداقت در برادری

۱- رسول خدا فرمود: اگر کسی برادر مسلمان خویش را دوست بدارد از نام او و نام پدر و قبیله و عشیره او باید بپرسد زیرا این گونه پرسش از حقوق واجب است و لازمه صداقت در برادری است و اگر نه آشنائی احمقانه خواهد بود.

مصادقه الإخوان / ترجمه خراسانی کاظمی، ص: ۷۵

باب (۳۵) کوشش در کارهای برادران بی نیت

۱- ابو عبد الله علیه السلام فرمود: کسی که با گروهی برای حاجتی همراه شود ولی صداقت بخرج ندهد با خدا و رسول خیانت کرده است.

۲- ابو عبد الله علیه السلام فرمود: هر که در کار برادر خویش بی نیت بکوشد و در بند انجام آن نباشد جایگاه او در آتش خواهد بود.

باب (۳۶) خوار ساختن برادران

۱- پیغمبر فرمود: که خدا میفرماید من با کسی که بنده مؤمن مرا خوار بدارد در جنگ می باشم و من در کمک بدوستان خود بیشترین شتاب را خواهم کرد و در هیچ کاری و در هیچ چیزی که ایجاد میکنم تردیدی بمن دست نمیدهید بمانند تردیدی که در مردن بنده مؤمن من بر من عارض می شود من دیدار او را دوست دارم و او را از مرگ بد میآید و از آن ویرا منصرف میسازم ولی او مرا میخواند و من هم اجابت میکنم و از من درخواست میکنند و بدو می بخشم و اگر هم در دنیا جز

یک تن از بندگان مؤمن من نماند از همه آفریدگان دیگر خود بی نیاز خواهم بود و طوری میکنم که باتکاء ایمان خود هیچ نهراسد و بکسی پناه نبرد.

باب (۳۷) معطر کردن برادر

۱- ابو عبد الله (ع) فرمود: کسی که از روی احترام مسلمانی را معطر کند خداوند روز قیامت برای او برابر هر موئی نوری مینویسد.

باب (۳۸) دوست داشتن برادران

۱- ابو عبد الله (ع) فرمود: از جمله دینداری مرد دوستی او است با برادران خود.

مصادقه الإخوان / ترجمه خراسانی کاظمی، ص: ۷۷

باب (۳۹) دشنام به برادران

۱- پیغمبر فرمود: خبر دهم شما را بچیزی که از زنا بدتر است؟ ریختن آبروی برادر.

۲- امام رضا (ع) فرمود: مردیکه برادر خود راست میگوید و از آن زیبایی بدو میرسد نزد خدا دروغگو بشمار می آید و مردیکه برادر خود دروغ بگوید و از آن سود ویرا بخواهد نزد خدا راستگو بشمار است.

باب (۴۰) دعا در باره برادران

۱- ابو عبد الله (ع): فرمود چهار کسند که دعای آنان برآورده است، پیشوای دادگری که در باره پیروان خود دعا کند، و برادری که در باره برادر خود در غیاب دعا نماید و خداوند فرشته ای را می گمارد که بگوید همان را که برای برادر خواستی بتو نیز داده می شود دیگر پدر برای فرزند چهارم دعای مظلوم که خداوند میگوید بشکوه و بزرگواری خود سوگند میخورم که اگر چه زمانی هم بگذرد داد تو را خواهم داد.

۲- ابو عبد الله (ع) فرمود: سه کسند که روز قیامت زیر سایه عرش خدا می باشند: مردیکه برای برادر خویش هر آنچه برای خود میخواهد بخواهد، و مردیکه امری بدو در رسد و گامی پیش یا پس نگذارد تا اینکه بداند از آن خداوند خوشنود است یا آن را ناخوش میدارد، و مردیکه از مردم هیچ عیب نگیرد مگر اینکه بداند خود عیب آن را ندارد چه تا عیبی از خود رفع کند عیب دیگری در خویش خواهد داشت

مصادقه الإخوان / ترجمه خراسانی کاظمی، ص: ۷۹

باب (۴۱) مهربانی به برادران

۱- پیغمبر فرمود: هر کس از امتان من که در باره برادر دینی خویش مهر بورزد خداوند خدام بهشت را بخدمت او خواهد

گماشت.

۲- معصوم (ع) فرمود: کسی که به برادر خود خوشباش گوید خداوند در باره او خواهد نوشت:

خوش باش تا روز قیامت.

باب (۴۲) پوشانیدن برادران

۱- ابو عبد الله (ع) فرمود: کسی که برادر خود پوشاک زمستانی یا تابستانی درپوشد بر خداوند است که از جامه های بهشتی بر او بپوشاند و سختی های مرگ را بر او آسان کند و گور ویرا گشاده سازد و فرشتگان را وادارد هنگام بیرون آمدن از گور بوی رسند و مژده دهند چنان که خداوند فرمود فرشتگان به آنان درمیرسند و میگویند مترسید و اندوهگین نباشید و بهمان بهشتی که بشما نوید داده اند بهره مند شوید. هر که از روی خوشخوئی برادر خویش را گرامی دارد خداوند آنچه که در آغاز تا انجام در این جهان است از پوششهای بهشتی برای وی خواهد نوشت و بریاکاران شبیه نبوده بلکه بکریمان ماند.

پیغمبر (ص) فرمود هر که برادر مسلمان خویش ببدی اشاره کند فرشتگان بر او لعنت میکنند تا اینکه غمگینش سازند.

باب (۴۳) کسانی که از برادری با آنها باید پرهیز کرد

۱- علی (ع) فرمود سزاوارست که مسلمان از برادری با دروغگو پرهیزد چه وی دروغ میگوید و اگر هم راست بگوید باورش نمدارند ۲- علی (ع)

مصادقه الإخوان / ترجمه خراسانی کاظمی، ص: ۸۱

بالای منبر کوفه فرمود: ای گروه مسلمانان بایستی مسلمان با مسلمان برادری کند نه با بزه کار و بیخرد و دروغگو چه بزه کار کردار خویش را بچشم تو میاراید و وامیدارد که تو هم چنان کنی و در کار دین و دنیا بتو کمک نخواهد کرد پس آمد و رفت او با تو برای تو ننگ است و بیخرد از کسی پیروی نمیکند و نمی تواند بدی را از تو دور سازد و گاهی میخواهد بتو سودی رساند ولی ضرر میزند دوریش برای تو از نزدیکی وی بهتر است و خاموشی وی از گفتارش نیکوتر

و مردن وی از زیستن برتر می باشد.

اما دروغگو زیست تو با او گوارا نخواهد بود و دشمنی برایت بهم میرساند و کینه تو را در دلها جای میدهد و راز تو را آشکار میسازد و گفتار تو را باز میگوید و سخنان مردم را بمردم خواهد گفت.

۳- ابو جعفر (ع) فرمود: با چهار کس دوستی و برادری نکن: بی خرد و بخیل و ترسو و دروغگو، اما بیخرد میخورد بتو سودی رساند ولی زیانش بتو خواهد رسید اما بخیل از تو میستاند و بتو نمیدهد اما ترسو از تو و پدر و مادر خویش می هراسد اما دروغگو راست میگوید ولی باورش نمیدارند.

۴- از مردی نزد ابی عبد الله (ع) یاد کردند کسی از وی عیب گرفت امام فرمود تو کجا و برادر کامل کجا و کدام مرد است که از همه عیوب پاکیزه باشد.

۵- ابو عبد الله (ع) فرمود: از چه زیست میکنی (راوی) گفت دو غلام دارم و دو شتر امام فرمود با برادران خود با آنها داد و ستد کن چه اگر سودت ندهند زبانی بتو نخواهند رسانید.

مصادقه الإخوان / ترجمه خراسانی کاظمی، ص: ۸۳

۶- ابو عبد الله (ع) فرمود: برادر خود این قدرها اطمینان نکن چه اگر شتاب زدگی کنی بسختی دچار خواهی شد.

۷- ابو عبد الله (ع) فرمود: چرا با یک دیگر دشمنی میکنید اگر چیزی در باره برادر خود شنیدید بوی بگوئید و از وی پرسید اگر گفت چنین کاری نکردم باور دارید و اگر تصدیق کرد توبه اش دهید.

۸- ابو عبد الله (ع) فرمود: اگر از برادرت چیزی بتو گفتند و او انکار کرد از وی بپذیر چه همین انکار توبه وی

است.

۹- ابو عبد الله (ع) فرمود: اگر از برادرت چیزی بتو گفتند و چهل گواه هم گفته باشند که از وی شنیده ایم ولی او بگوید که نگفتم از وی بپذیر.

۱۰- ابو عبد الله (ع) فرمود: از خودت در باره برادرت آن اندازه بخشش مکن که زیان تو بیشتر از سود او باشد.

۱۱- ابو عبد الله (ع) فرمود: روزگاری برای مردم خواهد آمد که چیزی نایاب تر از برادر همدم و اندوختن یکدرهم حلال نباشد.

مصادقه الإخوان / ترجمه خراسانی کاظمی، ص: ۸۵

فهرست ابواب کتاب

الموضوع / رقم الصفحه

باب ۱ در اقسام برادران ۳۱

باب ۲ حدود برادران ۳۱

باب ۳- مهربانی به برادران ۳۳

باب ۴- برگزیدن برادران ۳۳

باب ۵ گرد آمدن و گفتگوی برادران ۳۳

باب ۶- مواسات برادران ۳۷

باب ۷ حقوق برادران در باره همدیگر ۳۹

باب ۸ در اینکه برادر آئینه برادر خویش است ۴۳

باب ۹ اطعام برادران ۴۳

باب ۱۰ خوراندن برادران ۴۷

باب ۱۱ سودمندی برادران ۴۷

باب ۱۲ انتفاع برادران ۴۷

باب ۱۳ مؤمن برادر مؤمن است ۴۹

باب ۱۴ سود رساندن برادران بیکدیگر ۴۹

باب ۱۵ دوری کردن برادران از یکدیگر ۴۹

باب ۱۶ هراس برادران از یکدیگر ۴۹

باب ۱۷ دوستی برادران ۵۱

باب ۱۸ ثواب خوشروئی با برادران ۵۳

باب ۱۹- ثواب رسیدگی بکارهای برادران ۵۳

باب ۲۰- نهی درخواست کاری از برادران ۵۵

باب ۲۱- دیدار برادران ۵۷

باب ۲۲ توجه ببرادران ۵۹

باب ۲۳ دست دادن با برادران ۵۹

باب ۲۴ شاد کردن مؤمن ۶۱

باب ۲۵ بخل بر برادران ۶۳

باب ۲۶- شکایت بردن پیش برادران ۶۳

باب ۲۷ ثواب کسی که برادرش را شاد کند ۶۵

باب ۲۸ دیدار برادران و رنجاندن آنان ۶۵

باب ۲۹ نیکی ببرادران ۶۵

باب ۳۰ کوشش در کارهای برادران ۶۷

باب ۳۱ ثواب واگرداندن معامله بدرخواست

برادر ۷۳

باب ۳۲ آزمایش برادران ۷۳

باب ۳۳ اطمینان برادران ۷۳

باب ۳۴ صداقت در برادری ۷۳

باب ۳۵ کوشش در کارهای برادران بی نیت ۷۵

باب ۳۶ خوار ساختن برادران ۷۵

باب ۳۷ معطر کردن برادر ۷۵

باب ۳۸ دوست داشتن برادران ۷۵

باب ۳۹ دشنام به برادران ۷۷

باب ۴۰ دعا در باره برادران ۷۷

باب ۴۱ مهربانی به برادران ۷۹

باب ۴۲ پوشانیدن برادران ۷۹

باب ۴۳ کسانی که از برادری با آنها باید پرهیز کرد ۷۹

مصادقه الإخوان / ترجمه خراسانی کاظمی، ص: ۸۶

فهرس اعلام الاشخاص و الاماکن و الکتب

أبان بن تغلب: ۱۰-۱۲-م.

إبراهیم - (جعفر بن إبراهیم - علی بن إبراهیم).

إبراهیم الغفاری: (عبد الله بن إبراهیم).

ابن أبی عمیر: ۱۴. (محمد بن أبی عمیر).

ابن أعین: ۱۲ (ثم حمران بن أعین).

أبو اسمعيل الوصافي: ٨.

أبو بصير: ١٦ - ٢٠ - ٤٠.

أبو الجارود: ٥٤.

أبو جعفر الثاني ١ - ٤ - ٦.

أبو جعفر محمد بن علي ع: ١٠.

أبو جعفر ع: ٦ - م - ٨ - ١٦ - م - ٢٢ - م - ٢٤ - ٢٦ - ٣٠ - ٣٢ - ٣٤ - ٣٨ - م - ٤٤ - ٥٠ - ٥٢.

أبو الحسن: ٤٤ م.

أبو الحسن الرضا: ٢٤ (الرضا).

أبو حمزه: ١٦ - م.

أبو حمزه الثمالي: ٢٦ - ٢٨ - م - ٣٤.

أبو طالب - (علي بن أبي طالب)

أبو عبد الله: ٢ - ٤ - م - ٦ - م - ٨ - م - ١٠ - م - ١٢ - م - ١٤ - م - ١٦ - م - ١٨ - م - ٢٠ - م - ٢٢ - م - ٢٤ - م - ٢٦ - م - ٢٨ - م - ٣٠ - م - ٣٢ - م - ٤٤ - م - ٤٦ - م - ٣٨ - م - ٤٠ - م - ٥٢ - م - ٥٤ - م (جعفر بن محمد).

أبو عبيد الحذاء: ٣٨.

أبو عليّ الحرّاني: ٤٠.

أبو عمران الحلبي: ٣٠.

أبو عمير: (ابن أبي عمير - محمد بن أبي عمير)، أبو قرّه: (فضل بن أبي قرّه)،

أحمد بن إدريس: ١٨.

أعين: (حمّان بن أعين).

أحمد بن محمد: ١٨ - ٤٢.

أحمد بن محمد بن عيسى: ٢

أحمد بن إدريس: ١٨

الأحمر: (جعفر).

الدريس:

(أحمد بن إدريس).

الأزدى: (بكر بن محمد).

أرقم: (زيد بن أرقم).

اسباط بن محمد: ٤٨

اسحق بن عمار: ٨- ٣٠- ٤٤

اسحق: (لوط بن اسحق).

البصرة: ٢.

أمير المؤمنين: ٢- م- ٥٢ (علي بن أبي طالب م)

أيوب بن منصور الصيقل: ٥٤.

بكر بن محمد الأزدي: ٢٨.

تغلب: (أبان بن تغلب).

الثمالي: (أبو حمزه).

جابر: ٣٠.

جابر بن يزيد: ٢٤.

جعفر ع: ٦- حاشيه- ٥٠.

جعفر الأحمر: ٥٢.

جعفر بن إبراهيم: ١٨.

جعفر بن محمد ع: ١٤- ١٨- ٢٦- ٣٢

(أبو عبد الله).

الجعفري: (عبد الله).

الجمال: (صفوان).

جميل: ٣٢.

مصادقه الإخوان / ترجمه خراسانى كاظمى، ص: ٨٧

جميل بن دراج: ٣٨- م.

الحجاج: (عبد الرحمن بن الحجاج).

الحجال: ٥٢.

الحذاء: (ابو عبيده).

الحزاني: (أبو علي).

الحسن بن راشد: ٣٤- م.

الحسن بن علي: ٤٢.

الحسن بن علي: (من الرواه) - ٥٤.

حسن بن علي بن فضال: ٤.

الحسين ع: ٤٢. ثم (علي بن الحسين).

حفص بن غياث النخعي: ١٤.

حفص: (داود بن حفص).

الحكم: (علي بن الحكم ثم هشام بن الحكم)

الحلبي: (ابو عمران)

حماد: (خلف بن حماد)

حمران بن أعين: ٢٢

خالد: (سليمان بن خالد)

خلّاد السندی: ۸م- (ثم معمر بن خلّاد)

خلف بن حماد: ۳۲

خنیس؛ (معلّی بن خنیس)

خیثمه: ۶-م.

داود بن فرقذ: ۴۸.

داود بن کثیر: ۲۰.

داود الرّقی: ۱۸.

داود بن حفص: ۱۰

دراج: (جمیل بن دراج).

درست الواسطی: ۳۶.

راشد: (حسن بن راشد).

رئاب: ۱۸.

الربیع بن صبیح: ۳۴-۳۶.

رسول الله ص: ۴-م-۸-م-۱۰-م-۱۴-۲۰-۲۶-م-۳۰-م-۳۲-م-۳۴-م-۴۴-۴۶-۵۰-م.

الرضاع: ۱۸-۳۴-۴۸- (أبو الحسن).

الرّقی: (داود).

زکریا المؤمن؛ (عبید بن زکریا).

زید بن أرقم: ۵۰.

سدیر الصیرفی: ۵۲.

سعد بن عبد الله: ۱۰.

السكونى؛ ٤-٦ م-٤٤-٥٠.

سليمان بن خالد: ٤٨.

سنان: عبد الله بن سنان.

شعيب العقرقوفى: ٦.

صبيح: (ربيع بن صبيح).

صفوان الجمال، ٤٢.

صفوان بن مهران الجمال: ٣٢.

الصيرفى: (سدير).

الصيقل: (ايوب- ثم: منصور).

عبد الرحمن بن الحجاج: ٥٤.

عبد الرحمن: (يونس بن عبد الرحمن).

عبد الله بن

سنان: ٥٤.

عبد الله بن مسكان: ٤.

عبد الله: (سعد بن عبد الله).

عبد الله بن إبراهيم الغفاري: ١٨.

عبد الله بن القسم الجعفري: ٢٢.

عبد الله بن الوليد الوصافي: ٣٢.

عبيد بن زكريا المؤمن: ١٠.

عجلان: (محمد بن عجلان).

العطار: (محمد بن يحيى).

عقبه: (علي بن عقبه).

العرقوفى: (شعيب).

علي ع: ٦- (الحسن بن عليّ من الرواه- ثمّ محمد بن عليّ).

مصادقه الإخوان / ترجمه خراساني كاظمي، ص: ٨٨

علي بن إبراهيم: ٤- ٦- ٨ (ظ)- ٥٠

علي بن أبي طالب: ٥٠ (أمير المؤمنين).

علي بن الحسين: ٣٢- ٣٤.

علي بن الحكم: ٤٢- ٤٦.

علي بن عقبه: ٨- ٥٤.

علي بن فضال: (حسن بن عليّ).

عمار: (اسحق بن عمار- ثمّ معاوية بن عمار).

عمر: (مفضل بن عمر).

عیسی: (محمد بن عیسی).

الغفاری: (عبد الله).

غیاث النخعی: (حفص بن غیاث).

فرقد: (داود بن فرقد).

فضال: (علی بن فضال).

فضل بن أبی قره: ۵۰.

فضل بن یزید: ۸.

فضیل: ۴-م.

فضیل بن یسار: ۰۶-۲۰-۴۶.

القسم الجعفری؛ (عبد الله بن القسم).

کثیر؛ (داود بن کثیر).

کلب بن معاویه: ۲۰.

الکوفه: ۵۲.

لوط بن اسحق، ۳۲.

محمد: (أحمد بن محمد ثم. اسباط بن محمد ثم جعفر بن محمد).

ابن باویه، محمد بن علی - خراسانی کاظمی، علی، مصادقه الإخوان / ترجمه خراسانی کاظمی، اجلد، کرمانی - ایران؛ قم،

چاپ: اول، ۱۴۰۲ق. مصادقه الإخوان / ترجمه خراسانی کاظمی؛ ص ۸۸

مد لازدی: (بکر بن محمد).

محمّد بن أبي عمير: ٨-م.

محمّد بن عجلان: ٤٢.

محمّد بن علي: (أبو جعفر).

محمّد بن عيسى: ١٠- (أحمد بن محمّد).

محمّد بن يحيى العطار: ٢.

محمّد بن يزيد، ١٨.

مرازم: ١٤.

المسجد الحرام: ٤٠-م.

مسكان: (عبد الله بن مسكان).

معاوية بن عمار: ٢٨.

معلّى: ١٢.

معلّى بن خنيس: ٤٦.

معمّر بن خلاد: ٤٢-م.

معوية: (كليب بن معوية).

المفضل: ٢٤-م.

مفضل بن عمر: ٨.

مكّه: ٤٢.

منصور الصيق: ٤٦ (أيوب بن منصور).

موسى ع: ٣٢-٣٨ م.

مهران الجمال: (صفوان بن مهران).

میمون: ۴۲.

النَّبِيِّ ص: ۶-۱۴-۳۴-۳۶-۴۸

(رسول الله ص).

النخعي: (حفص).

نوادر علي بن ابراهيم.

النوفلي: ۶-۵۰.

الواسطي: (درست)

الوصافي: ۸- (عبد الله).

الوليد الوصافي: (عبد الله بن الوليد).

هشام بن الحكم: ۱۶.

يحيى العطار: (محمد بن يحيى).

يزيد: (جابر بن يزيد- فضل بن يزيد- ثم محمد بن يزيد).

يسار: (فضيل بن يسار).

يونس: ۲۶.

يونس بن عبد الرحمن: ۲-۲۰.